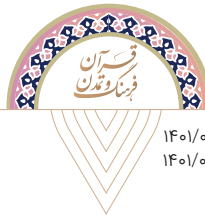


تحلیل و بررسی تناسب آیات قتال در سوره توبه با تکیه بر اسباب و فضای نزول آیات و سور مرتبط



دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

مهدی آب‌سالان*

مهدی جلالی**

محمد حسن رستمی***

مقاله پژوهشی

10.22034/JKSL.2022.345405.1110

چکیده

در ۱۷ سوره قرآن سخن از «قتال» به میان آمده و این واژه در شکل‌های مختلف ۱۵۸ مرتبه در بیش از ۱۳۰ آیه بکار رفته است. در بیش از ۲۰ آیه، خداوند به‌طور مستقیم به کشتن انسان‌ها امر می‌کند؛ علاوه بر آن، واژه‌ی جهاد ۳۲ بار در قرآن آمده و ۴۰۰ آیه در رابطه با جهاد نازل شده است. مهم‌ترین پرسش این پژوهش، نوع نگرش به موضوع قتال و جهاد در سوره‌ی توبه است. به نظر می‌رسد با واکاوی در گزاره‌های برون‌متنی (گزاره‌های تاریخی، روایات اسباب نزول و ترتیب نزول) و گزاره‌های درون‌متنی (سیاق و فضای نزول) و تطبیق آن‌ها با اوضاع عمومی به‌ویژه مخاطب‌شناسی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای که در مدّت نزول یک سوره وجود داشته، بتوان به فهم عمیق و استوار قرآن کریم کمک کرد.

هدف این مقاله که با مطالعه‌ی موردی و به‌صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی صورت گرفته؛ شناخت و تحلیل جنبه‌های تفسیری؛ اعم از شأن و اسباب نزول، دلالت کلی آیه، نکات تفسیری، مبحث قتال و تناسب درآیات سوره‌ی توبه با محوریت قتال و جهاد است. به تناسب تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان ادعان کرد با توجه به رویکرد «قتال و جهاد» در سوره‌ی توبه آیات لحن شدیدتری به خود می‌گیرند.

واژگان کلیدی: آیات قتال، تحلیل و بررسی، سوره توبه، تناسب، اسباب و فضای نزول.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، پردیس بین الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
mehdi.ab110@yahoo.com

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، (نویسنده مسؤل)
ajalali@um.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
Rostami@um.ac.ir

مقدمه

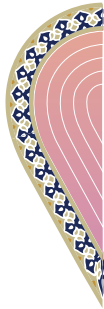
بیان مسئله

هنگامی که مسلمانان به شهر یثرب «مدینه» وارد شدند، نخستین مراحل شکل‌گیری حکومت اسلامی شروع شد و زمینه‌ی پیدایش و رشد جامعه‌ی اسلامی فراهم آمد. در این مرحله پیامبر جبهه‌های مختلفی در برابر مشرکان ایجاد کرد. معاهدات گوناگون با قبایل و گروه‌های متعدد شکل گرفت، قوانین و ضوابط گوناگون برای اداره‌ی امور جامعه وضع شد، مسائل مربوط به اخلاق، اجتماع، حکومت، رهبری و حتی موضوعات خانوادگی و به‌طور کلی هر آن‌چه برای بهترین شیوه‌ی اداره کردن جامعه فراهم آمد؛ مانند مسائل مربوط به زن، ازدواج، ارث و حقوق افراد، صادر شد و در این مرحله بود که آیات مربوط به جنگ و جهاد و فرمان‌های دقیق و سازنده‌ی نظامی نیز یکی پس از دیگری نازل و صادر گردید. حاصل تشکیل دولت اسلامی، صدور پیام دعوت اسلامی، درگیری‌های سیاسی، مبارزات فرهنگی و اعتقادی، جنگ‌های ابتدایی و دفاعی گوناگون، رشد و گسترش و مشهور شدن پدیده‌ی نفاق، کارشکنی‌های یهود در برابر دعوت اسلامی و تشریح صدها حکم از احکام فقهی دین و حوادثی که در طی سالیان نزول قرآن در حوزه اسلامی و یا خارج از قلمرو زندگی مسلمانان و حکومت اسلامی و شرایط و افکاری که بر آن حاکم بود، سبب نزول سوره‌های قرآن کریم به‌ویژه آیات قتال شد.

رویکرد ما در این پژوهش که با مطالعه موردی و به‌صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی صورت گرفته؛ پیرامون مباحث مطرح‌شده به‌ویژه آیات قتال و جهاد با تکیه بر سوره توبه و اسباب نزول آن خواهد بود. با یک نگاه کلی به ترتیب نزول آیات مربوط به جنگ و جهاد، می‌توان دریافت این آیات، احکام جهاد و چگونگی اقدام به جهاد، شکل و کیفیت آمادگی برای جهاد، اسباب و وسایل آن، تاکتیک و استراتژی آن و بالاتر از همه مقاصد و هدف‌های جهاد اسلامی را بیان می‌کند. در این آیات، موضوعاتی چون خودداری از فرار در جهاد و عدم پشت کردن به میدان نبرد، پاداش عظیم مجاهدان، ارزش و عظمت مقاومت‌کنندگان و شکیبایان، اجر بزرگی که در انتظار شهیدان میدان جهاد است و مسئله غنائم و رفتار با اسیران مطرح شده است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی زمینه محور؛ متن محور آیات آغازین سوره توبه در مسئله جهاد ابتدایی» به قلم یحیی صباغچی و مهدیه پاکروان در مجله مطالعات قرآن و حدیث با دو رویکرد متن محور و زمینه محور آیات آغازین سوره توبه که مجوز جهاد ابتدایی با



همه مشرکان داده شده؛ موردبررسی قرار گرفته است. مقاله «خوانشی نو از آیات اذن قتال «أذن للذين يقاتلون...» با تکیه بر نزول مکی سوره حج» به کوشش احمدنژاد امیر وکلباسی زهرا در مجله تفسیر و زبان قرآن به چاپ رسیده است. در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی ساختار آیات جهاد» به همت نوروزی، محمدجواد؛ حسینی، سیداحمدحسین؛ در مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث به بررسی تفسیر تطبیقی و سیر نزول آیات جهاد پرداخته اند. در مقاله «بازخوانی آراء مفسران سده اخیر در آیات جهاد» شیرین کار موحد، محمد؛ اکبری، محسن؛ در مجله مطالعات تفسیری نویسندگان، آیات جهاد را به آیات مطلق، مقید و صلح و احسان تقسیم کرده اند و براین باورند که برخی از محققان معاصر به تبع مفسران سلف، آیات مطلق را کانون توجه خود قرار داده و در مورد سایر آیات، اقوالی چون نسخ را پذیرا شده اند و در نتیجه «جهاد برای محو کفر و تغییر عقیده» را لازم شمرده اند. با توجه به منابع معرفی شده، راجع به تناسب آیات قتال با اسباب و فضای نزول آیات و سور مرتبط در جهت تبیین راهکارها (فرآیند) و ارائه نتایج (برآیند) کشف فضای نزول سوره های قرآن کریم به ویژه آیات قتال، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

۲. بحث اصلی

با نگاهی به ابتدای سوره ی توبه، آیات آن با موضوعاتی چون بیزاری از کفار، قتال با مشرکین و اهل کتاب، معرفی منافقین، تحریک مسلمانان به قتال، متخلفان فراری از جنگ، دوستی و ولایت کفار و زکات دسته بندی می شود:

۲-۱. قتال و جهاد

لغت قتل در اشکال مختلف آن ۱۵۸ مرتبه در بیش از ۱۳۰ آیه بکار رفته است که در بیش از ۲۰ آیه، خداوند به طور مستقیا امر به کشتن انسان ها می کند. واژه ی جهاد و مشتقات آن حدود ۳۲ بار در قرآن آمده و نزدیک به ۴۰۰ آیه در رابطه با جهاد نازل شده است. رابطه منطقی قتال با جهاد رابطه عموم و خصوص مطلق است.

اصل واژه قتل (قَتَلَ) زایل کردن روح از جسد است مثل مرگ و موت، ولی بکار بردن واژه-قتل- به اعتبار کاری است که قاتل انجام می دهد و اگر به اعتبار فوت شدن حیات و زندگی باشد موت بکار می رود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۹۳). منظور از جهاد در این نوشتار همان تعریف مصطلح و رایج آن یعنی جنگ در راه الله و دفاع از اسلام است؛ اما باید

توجه داشت که این آیات زمانی نازل شده‌اند که اسلام در حال گسترش بود و هر روز به تعداد پیروانش افزوده می‌شد. بررسی سیر نزول این آیات نشان می‌دهد در زمان حضور مسلمانان در مکه و دو سال ابتدایی حضور در مدینه، حتی دفاع برای مسلمانان مشروع نبود. اما پس از آن به مسلمانان اجازه داده شده از خود دفاع کنند.

در این پژوهش به دنبال آن هستیم، فرازهای مربوط به قتال در آیات قرآن، چه مناسبتی با شرایط و مقتضیات تاریخی زمان نزول این آیات دارد؟

۲-۲. فضای نزول آیات

در ابتدا پاسخ به این پرسش ضروری است که چگونه و از چه راهی می‌توان به فضای نزول سوره بقره و توبه و تناسب و هماهنگی آیات مربوط به قتال با مشرکین و منافقین با این فضای نزول دست‌یافت؟

در پاسخ به این پرسش ابتدا باید به این نکته توجه داشت که رویکرد ساختارشناسانه قرآن پژوهان معاصر به سوره‌های قرآن کریم، آنان را به کشف ساختار هندسی سوره‌ها، کشف اهداف سوره‌ها وحدت موضوعی سوره‌ها و تدبیر در قرآن کریم سوق داده است. در همه‌ی این دانش‌ها، کشف فضای نزول سوره‌ها یکی از دغدغه‌ها و راهبردهای اصلی محسوب می‌شود. به‌علاوه توجه ویژه مفسران پیشین به سبب و شأن نزول آیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قرائن پیوسته و غیرلفظی که با هدف فهم و کشف فضای نزول سوره‌ها انجام می‌گرفت، حکایت از اهمیت فوق‌العاده این مقوله دارد. ضرورت تحقیق در این حوزه و آشنایی با فضای نزول هر یک از سوره‌های قرآن کریم، راهگشای تفسیر آیات، تشخیص هدف سوره و تبیین ارتباط آیات آن سوره با یکدیگر (کشف ساختار هندسی سوره‌ها) است و مفسر را در گزینش مناسب‌ترین احتمال در تفسیر هر آیه و نیز تبیین صحیح مطالب جامع و کلی سوره یاری می‌کند.

برآیند توجه به فضای نزول سوره‌ها، برجسته کردن «خصوص سبب» در کنار «عموم لفظ» است و روشن‌گر این نکته مهم است که آیات قرآن کریم بر اساس حکمت بالغه‌ی الهی و با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات خاص نزول یافته است بطوری‌که هر آیه و سوره را با هر شرایط و مقتضیاتی نمی‌توان تطبیق داد. بلکه باید برای آیات و سوره، به دنبال شرایط و مقتضیات خاص و جداگانه‌ی هر یک بود تا بتوان از پیام جاودان قرآن در همه‌ی اعصار به بهترین وجه استفاده کرد.



از این رو بین آیات قتال با فضای نزول آن ارتباط محکمی برقرار است. در این مطالعه ما به دنبال اثبات این مقوله هستیم که مناسبت هر یک از فرازهای آیات قتال با شرایط و مقتضیات تاریخی در سوره توبه چگونه است و مصادیق آن مشمول چه آیاتی شده و ابعاد و سبب نزول متناظر آیات آن، چه بوده است.

۲-۳. تبیین سبب نزول آیات

سبب نزول؛ حادثه یا پرسشی است که در عصر پیامبر ﷺ رخ داده و باعث نزول آیه یا سوره‌ای از قرآن شده است که به آن حادثه یا پرسش، اشاره دارد (حجتی، ۱۳۹۷: ۴۹۷). درباره‌ی نقش سبب نزول در فهم معانی آیات، آرای متفاوتی بیان شده است. واحدی می‌نویسد: «تفسیر آیه، بدون دانستن سبب نزول آن، ممکن نیست» (واحدی، ۱۴۱۱: ۴).

۲-۴. بررسی دلالت و تناسب آیات قتال با اسباب و فضای نزول آن‌ها در سوره توبه

۲-۴-۱. فضای نزول سوره توبه

این سوره، آخرین سوره یا از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر ﷺ در مدینه نازل گردید. دارای ۱۲۹ آیه است. آغاز نزول آن را در سال نهم هجری می‌دانند. بخشی از آن پیش از حجة الوداع و قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک و قسمتی دیگر به هنگام آمادگی برای جنگ و بخش دیگری از آن پس از مراجعت از جنگ نازل شده است.

سوره‌ی توبه نهمین سوره در ترتیب نزول موجود قرآن کریم و از سوره‌های مدنی است که در اواخر سال نهم هجری و درباره جنگ تبوک نازل شده است. (شحاته، ۱۳۷۴: ۱۸۶).

قسمت مهمی از این سوره پیرامون باقیمانده‌ی مشرکان و بت پرستان و دوری از آن‌ها و لغو پیمان‌هایی است که با مسلمانان داشتند. قسمت مهم دیگری از این سوره از منافقان و سرنوشت آنان سخن می‌گوید بخش دیگری از این سوره پیرامون دعوت به جهاد در راه خدا است. علاوه بر مباحث فوق، مباحث دیگری مانند هجرت پیامبر ﷺ، ماه‌های حرام که جنگ در آن ممنوع است، گرفتن جزیه از اقلیت‌های دینی و امثال آن به تناسب مطرح گردیده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۳۸). این سوره فاقد «بسم الله الرحمن الرحیم» است زیرا این سوره با اعلان جنگ عمومی با مشرکان و طرد تمام پیمان‌های پوشالی آنان افتتاح گشته و «بسمله» حامل روحیه‌ی صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز است. ممکن است عدم ذکر بسمله مشابهت آن با سوره‌ی انفال باشد. سوره‌ی انفال بازگوکننده جهاد مسلمین در جنگ بدر است و سوره‌ی توبه، جهاد مسلمین در جنگ تبوک را گزارش می‌کند

(شحاته، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

درباره‌ی استقلال یا وابستگی این سوره با سوره‌ی انفال اختلاف نظر وجود دارد که از اختلاف صحابه و تابعین نشأت گرفته است؛ حتی روایاتی از اهل بیت علیهم السلام در این خصوص وجود دارد که دلالت آنان به وابستگی را قوی نشان می‌دهد.

۲-۴-۲. بررسی آیات قتال به ترتیب نزول در سوره توبه

۲-۴-۲-۱. آیه سیف:

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه: ۵)

به این آیه سیف گفته شده است چرا که در آن به گونه‌ی صریح به جنگ امر شده است. در این آیه به از میان برداشتن مشرکین پیمان شکن و منقرض ساختن آنان بعد از انقضای مهلت چهار ماهه امر نموده است مگر آن که توبه کنند.

تعبیر «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» نشان دهنده‌ی برائت و بی‌زاری از مشرکین است و احترام را از جان‌های کفار برداشته و خون هایشان را هدر ساخته و می‌فرماید: بعد از تمام شدن آن مهلت، دیگر هیچ مانعی از این‌که آنان را بکشید - نه حرمت حرم و نه احترام ماه‌های حرام - وجود ندارد، بلکه هر وقت و هر کجا که آنان را دیدید باید به قتلشان برسانید، البته این در صورتی است که کلمه «حیث» هم عمومیت زمانی را برساند و هم‌ممکنی را که در این صورت قتل کفار بر مسلمین واجب است و تشریح این حکم برای این بوده که کفار را در معرض فنا و انقراض قرار داده و به تدریج زمین را از لوٹ وجودشان پاک کند و مردم را از خطرهای معاشرت با آنان نجات دهد، بنابراین هر یک از تعبیر «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» و «وخذوهم» و «واحصروهم» و «واقعدوا لهم» بیان یک نوع از راه‌های از بین بردن کفار و نجات مردم از شر ایشان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۹، ۲۰۵)

سبب نزول: رسول خدا ﷺ در سال ششم هجرت در جریان معروف «حدیبه» با مشرکان صلح کرد. این شرایط در صلح‌نامه درج گردید که تا ده سال درگیری بین طرفین ایجاد نشود و هر کس هم‌قسم یکی از طرفین است، حمله به او یا کمک به حمله‌کننده‌اش خلاف معاهده خواهد بود. رسول خدا ﷺ نیز آن سال از بجا آوردن عمره صرف‌نظر کند و سال آینده قضای عمره را بجای آورد و همچنین اگر قبیله‌ای خواست با یکی از طرفین



همپیمان شود، مانعی نداشته باشد.

بر اساس بند اخیر، قبیله‌ی «بنی بکر» با «قریش» و قبیله‌ی «بنی خزاعه» با مسلمانان همپیمان شدند. حدود شش-هفت ماه بعد از مراجعه‌ی آن حضرت از عمره‌ی قضا، حادثه‌ای بدین شرح رخ داد:

روزی شخصی از «بنی خزاعه» برای خرید نزد فردی از قبیله‌ی «بنی بکر» رفت. بکری به آن مرد خزاعی طعنه زد و نسبت به رسول خدا ﷺ بی‌ادبی نمود. مرد خزاعی گرچه مسلمان نبود، اما این برخورد بکری با وی سبب حمله به او شد که در اثر آن شخص بکری کشته شد. قبیله‌ی «بنی بکر» علیه «بنی خزاعه» برای کمک پیش حلیفشان - قریش - رفتند. قریشیان همراه «بنی بکر» شبانه به «خزاعه» حمله بردند و چند نفر از آنان را کشتند. به دنبال این عهدشکنی رسول خدا ﷺ در صد جمع‌آوری لشکر علیه قریش برآمد. این خبر به اهل مکه رسید. قریشیان به دلیل شکست‌های پی‌درپی در جنگ‌های «بدر»، «احد» و «احزاب»، این بار مرعوب شدند و تصمیم گرفتند ابوسفیان را جهت معذرت‌خواهی از رسول خدا ﷺ به مدینه فرستند. ابوسفیان درخواست خویش را پیش رسول خدا ﷺ مبنی بر ایجاد قرارنامه‌ی صلح جدید مطرح کرد و به بزرگان صحابه متوشل شد؛ اما آن حضرت جواب رد داده و فرمودند: «شما باید حسابی سرکوب شوید»؛ و بالاخره ابوسفیان ناامید به مکه برگشت (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۹: ۳۷۳؛ سربازی، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۱۰-۱۱).

در الدر المنثور در تفسیر آیه فوق نقل شده است: رسول خدا ﷺ مکه را که فتح کرد متوجه شهر طائف شد و مردم آن شهر را هفت یا هشت روز متوالی محاصره کرد. تناسب: این آیه امتداد مطالب قبلی است. بعد از این‌که خدای تعالی از عهد و پیمان مشرکان اعلان برائت کرد و به آنان چهار ماه مهلت و امان داد تا دلایل ایمان را بشنوند، در این‌جا به ذکر اموری می‌پردازد که انجام آن بر مؤمنان واجب است. از جمله‌ی این امور قتال با آنان در هرجایی است خواه در سرزمین حرم باشند یا غیر حرم. بین آیات ارتباط و سازگاری و تناسب وجود دارد. در آیه بعد، هدف از تشریح جهاد، خونریزی نیست بلکه رسیدن به توحید است. (فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱۰: ۹: ۱۱۶).

نتیجه: با توجه به شرایط تاریخی نزول آیات این سوره، قتال با مشرکین وارد مرحله‌ی جدیدی از مبارزه و درگیری شده که اوج خشونت و قتال علیه مشرکین است؛ این آیه مربوط به قتال با مشرکین و قتال با اهل کتاب و منافقین و کسانی که از جنگ تخلف ورزیدند می‌باشد که به آیه‌ی سیف مشهور شده و در آن به‌گونه‌ای صریح امر به جنگ

شده است. چهار ماه به مشرکین فرصت داده شد که در آن چهار ماه حرام، قتل و قتال نکنند و عهد و پیمانی که با مشرکین بسته‌اند تا پایان مدت محترم است. همه‌ی مشرکین معاهد، به‌جز بنو ضمره و بنو کنانه کسانی‌اند که پیمان‌شکنی نمودند. عهدشکنی مشرکین مجوز مقابله به مثل و قتال با آنان است. دعوت به از میان برداشتن و قتال با مشرکین پیمان‌شکن شده است، مگر آن‌که توبه کنند یا آن‌ها را بکشند یا به اسارت گیرند یا آنان را محاصره کنند، و اگر هیچ‌یک از این سه ممکن نبود، در کمین‌شان بنشینند و تمام راه‌ها را بر آنان ناامن سازند.

۲-۴-۲-۲. پیمان شکنی سران کفر

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (توبه: ۱۲)

دلالت کلی آیه: به طور کلی این آیه در خصوص تشویق به جنگ با مشرکانی که پیمان‌شکنی نموده‌اند صحبت می‌کند و از سیاق آیه استفاده می‌شود، مراد غیر از آن مشرکینی است که در آیه‌ی قبل دستور داد عهد و پیمان‌شان را بشکنید. زیرا اگر منظور از آیه‌ی مورد بحث همانان می‌بود، دیگر لازم نبود با اینکه در آنان نقض عهد را شرط کرده بفرماید: «اگر عهد شکستند». بر این اساس، به طور قطع منظور در این آیه قوم دیگری است که با زاممدار مسلمانان عهدی داشته و آن را شکسته‌اند و خداوند قسم‌های آنان را لغو دانسته و دستور داده که با آنان کارزار نمایند. همچنین آنان را چون نسبت به سایرین در کفر به آیات خدا سابقه‌دارترند، پیشوایان کفر نامیده است، از این رو چون سایرین از آنان یاد می‌گیرند، لذا باید با همه‌ی آنان بجنگند شاید این‌گونه از عهدشکنی دست‌بردارند. این آیه بر تشویق به جنگ با مشرکانی که دست به پیمان‌شکنی زدند؛ دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۱۳).

این آیه از آیات برگزیده‌ی سیاسی اسلام است که همگان حتی مشرکان و ملحدان منکر خدا و قیامت را از شکستن سوگند، بلکه هرگونه پیمان‌شکنی بر حذر می‌دارد؛ به عبارت دیگر، معیار نبرد با سران کفر، همان نقض عهد است و جمع «نکث ایمان» و «طعن در دین» با هم و یکجا لازم نیست و هر یک به‌تنهایی مجوز قتال با آن‌هاست.

سبب نزول: از ابن عباس روایت‌شده: این آیه درباره‌ی چهار نفر از منافقین، ابوسفیان، حرث بن هشام، سهیل بن عمرو، عکرمه بن ابی جهل و دیگر سران قریش که پیمان شکستند - و آنان بودند که به اخراج پیغمبر ﷺ اقدام کردند- نازل شده است. حمیری در



قرب الاسناد از امام صادق علیه السلام آورده: منظور از سران کفر طلحه و زبیر است. چون در روز جنگ بصره در مقابل امام علی علیه السلام ایستادند (واحدی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: این آیه درباره پیمان‌شکنان جمل نازل شده است (محقق، ۱۳۶۱: ۴۰۲). چون آنان نیز با آن حضرت بیعت کرده بودند؛ ولی آن را نقض کردند.

تناسب: بر اساس این آیه، سرانجام مشرکان توبه یا جنگ است. همان‌طور که در آیه‌ی قبلی ذکر کردیم، این سوره در سال نهم هجری نازل شده و قتال و درگیری در آن سال با توجه به نمودار شماره (۱) در اوج خود قرار دارد. هدف از این جنگ آن است تا از این‌گونه اعمال دست برداشته و از کفر، عناد و گمراهی خویش برگردند و این خود نهایت کرم و فضل الهی را بر انسان نشان می‌دهد.

۲-۴-۲-۳. جنگ با مشرکان پیمان شکن

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ
أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (توبه: ۱۳)

دلالت کلی آیه: این آیه به تحریک مسلمانان به جنگ با مشرکین اشاره دارد، از این رو آن جرائم را که مشرکین مرتکب شده و خیانت‌هایی که به خدا و حق و حقیقت کرده‌اند و همچنین خطاها و طغیان‌های آنان را در رابطه با عهدشکنی و شروع جنگ و این‌که می‌خواستند آن حضرت را بیرون کنند یادآوری می‌سازد (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۱۳).

اسباب نزول توبه: از قتاده روایت شده: خزاعه، بنی بکر را در مکه مورد کشتار قرارداد و همچنین از عکرمه و از شدی روایت کرده: این آیه درباره‌ی خزاعه - هم‌پیمان‌های پیامبر صلی الله علیه و آله - نازل شده است که خدا درد و رنجی را که بنی بکر بر سینه‌های آن‌ها گذاشته بود شفا داد (محقق، ۱۳۶۱: ۴۰۲، فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱۰-۹، سیوطی، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

در تفسیر قمی در ذیل آیه «بِرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند آن حضرت فرمود: این آیه پس از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک که در سال نهم هجری اتفاق افتاد نازل گردید.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از آن که مکه را فتح کرد، در آن سال از زیارت مشرکین جلوگیری نفرمود. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۱۹-۲۱۵).

تناسب: بعد از این‌که خدای تعالی این حالت مشرکان را بیان داشت که آنان پیمان‌شکنی کرده، نفاق را پنهان می‌دارند و از حدود خویش پا را فراتر می‌گذارند؛ در این‌جا به بیان حال آنان پس از ثبوت عداوتشان نسبت به اسلام می‌پردازد و بر اساس

این آیه هم، سرانجام کار مشرکان توبه یا جنگ است.

پس از بیان مفضل و مشروح احکام مشرکان در آیات پیشین، در آیهی مورد بحث، تتمه‌ی تفصیل را بر پایه‌ی «و جادلهم بالتی هی أحسن» گوشزد می‌کند تا روشن شود رعایت عهد، از قوانین انسانی است که درون همگان، حتی ملحدان منکر خدا و قیامت، نهادینه شده، پس وفا به عهد بر همگان لازم است. آیات با همدیگر مرتبط و منسجم هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳ : ۳۲۱).

این آیات به جنگ با مشرکان پیمان‌شکن و سران کفر می‌پردازد و بر اساس روایات، این سه آیه به دنبال هم نازل شده‌اند.

طبری از عبدالله بن عباس، سدی و... نقل می‌کند: مقصود از این قوم «اهل مکه» هستند که «صلح حدیبیه» و معاهداتشان را شکستند. آیه با این بیان، ترغیبی برای مؤمنان جهت پا گذاشتن در عرصه‌ی جهاد و قتال علیه کفار و مشرکان است.

این آیه با زمینه‌سازی آیات پیشین، ادله‌ی لزوم قتال با مشرکان را بیان می‌کند. در بررسی ردایل اخلاقی مشرکان که استحقاق نبرد با آنان را ثابت می‌کند، آیه‌ی هفتم به عهدشکنی و آیه‌ی هشتم به فسق آنان اشاره می‌کند؛ که به بازداشتن از راه خدا (وقصدوا عن سبيله) می‌انجامد.

براین اساس، خدا در چنین فضایی چند ویژگی پست برای مشرکان برمی‌شمرد و به جنگ و مقاتله با آن‌ها و رهبران‌شان فرمان می‌دهد: «فَقَاتِلُوا أَمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» (توبه: ۱۲) و سپس به آن ترغیب و تشویق می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳ : ۳۲۱). «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ» (توبه: ۱۳) تا آخر چهار آیه این آیات مسلمانان را تحریک می‌کند با مشرکین بجنگند؛ و به ذکر اسبابی می‌پردازد که باعث جنگ با آن‌هاست. از جمله، عهدشکنی، آغازگری جنگ و تصمیم به اخراج پیامبر از شهر. این جنگ با مشرکان به منظور پاک‌سازی جزیره‌ی العرب از شرک و بت‌پرستی صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۳).

ناگفته نماند حکم ناکثین عهد (عهدشکنان) که در این آیات بیان گردید، مخصوص مشرکان مکه نیست، بلکه یهود و مسیحیان اطراف مدینه که با رسول خدا ﷺ معاهداتی امضا نموده بودند، نیز مشمول این حکم قرار می‌گرفتند و بلکه حکم تمام عهدشکنان در هر زمانی همین است. پس این یک حکم کلی در مورد ناکثین عهد است (سربازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۳۵).

۴-۲-۴. جنگ تبوک

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹)

دلالت کلی آیه: این آیه مسلمین را با اهل کتاب که از طوایفی بودند که ممکن بود جزیه بدهند و بمانند و در انحرافشان از حق، در مرحله‌ی اعتقاد و عمل مفسده‌ای نداشته باشد، به کارزار امر نموده است. از این آیه برمی‌آید منظور از اهل کتاب یهود و نصاری هستند. بر اساس سیاق آیه کلمه «من» در تعبیر «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» بیانی و نه تبعیضی است، برای این‌که هر یک از یهود و نصاری و مجوس مانند مسلمین، امت واحد و جداگانه‌ای هستند، هر چند مانند مسلمین در پاره‌ای عقاید به شعب و فرقه‌های مختلفی تقسیم‌شده باشند. از این رو اگر مقصود، قتال با برخی از یهود، نصاری و مجوس بود و یا مقصود، قتال با یکی از این سه طایفه‌ی اهل کتاب که به خدا و معاد ایمان ندارند می‌بود، لازم بود بیان دیگری غیر این بیان بفرماید تا مطلب را افاده کند. همچنین جمله‌ی «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» بیان جمله‌ی قبل یعنی جمله‌ی «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ...» است، از این رو اوصافی که ذکرشده از قبیل ایمان نداشتن به خدا و روز جزا و حرام ندانستن محرمات الهی و نداشتن دین حق، سه علت برای حکم قتال با اهل کتاب، قهراً متعلق به همه خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج: ۹، ۳۲)

سبب نزول: گویند این آیه در موقعی که رسول خدا ﷺ دستور جنگ با دولت روم را صادر فرمود نازل گردید و بعد از نزول این آیه، غزوه‌ی تبوک شروع شد. چنان‌که مجاهد گفته است و نیز گویند این آیه برای عموم غزوات می‌باشد (محقق، ۱۳۶۱: ۴۱۰). نیز نقل‌شده این آیه در مورد اهل جزیه نازل‌شده است. از خردسالان (کودکان نابالغ)، مجانین (دیوانگان)، زنان، پیرمردان و بردگان جزیه گرفته نمی‌شود.

طبرسی (ره) می‌نویسد: «اصحاب ما گفته‌اند که حکم مجوس، حکم یهود و نصارا است». پس در صورت قتال با اهل کتاب، اموالشان غنیمت مسلمین و زن و بچه‌هایشان اسرای آنان خواهد بود، چنان‌چه جزیه دهند البته در آن صورت بر ما مسلمین حرام است که اموالشان را بگیریم و ایشان را اسیر خود کنیم و نیز می‌توانیم زنان ایشان را همسران خودسازیم. از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: قتال دو مورد است: یکی قتال با مشرکین تا آن‌که ایمان بیاورند و یا جزیه دهند و دیگری قتال با یاغیان تا زمانی که اطاعت خدا را گردن نهند، آن وقت با آنان به عدالت رفتار می‌شود.

و نیز در همان کتاب است که ابن ابی شیبیه و ابن جریر و ابن منذر و ابن ابی حاتم و ابو الشیخ و بیهقی در سنن خود همگی از مجاهد روایت کرده‌اند: این آیه وقتی نازل شد که رسول خدا ﷺ و یارانش مأمور شده بودند به جنگ تبوک بروند. همچنین ابن ابی شیبیه از زهری آورده: رسول خدا ﷺ از مجوسیان هجر و یهودیان و نصاری یمن جزیه گرفت.

تناسب: این دستور برای مسلمانان به قتال و مبارزه با کسانی از اهل کتاب است که به آن‌ها ستم کرده‌اند و توضیحات برای این شش آیه منطبق و مرتبط باهم هستند. بغوی از کلبی روایت کرده که آیه‌ی اول در مورد عهدشکنی بنی قریظه و بنی نظیر از یهودیان نازل شد و پیامبر ﷺ به آنان گفت: نخستین جزیه را به اهل اسلام بپردازند و اولین تحقیر اهل کتاب به دست مسلمانان انجام شد. بر اساس سیاق، این آیات پس از فتح مکه و در حین حمله به تبوک نازل شد.

در آیات پیشین، احکام قتال با مشرکان تبیین و تحلیل شد و اکنون در این آیات، احکام اهل کتاب (یهود و نصاری) تحلیل و بررسی می‌شوند. پس از فتح مکه، گروهی از یهودی‌ها و مسیحی‌های حجاز، از راه ارتباط با دو ابرقدرت و امپراتور ایران و روم، ضد نظام اسلامی توطئه‌ای در سر می‌پروراندند. در چنین وضعیتی برای برقراری حکومت اسلامی و امنیت ملی و نظام توحیدی این آیه نازل شد و محتوای آن این است: همان‌گونه که با مشرکان قتال می‌کنید، با اهل کتابی قتال کنید که نه اعتقاد درستی درباره‌ی مبدأ و معاد دارند، نه به تورات و انجیل اصیل مؤمن‌اند و نه به اسلام گرایش دارند، تا با خضوع در برابر حکومت اسلامی به جزیه بپردازند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳: ۴۶۸-۴۶۷).

نتیجه: این آیه دعوت به قتال و مبارزه با یهود و نصاری می‌کند که به دلیل ایمان نداشتن اهل کتاب به خدا - حرام ندانستن محرمات خدا و رسولش - و تدبیر نداشتن به دین حق که مجوز قتال با اهل کتاب است، مرحله‌ی جدیدی از قتال محسوب می‌شود، تا در صورت نپذیرفتن دین حق یا کشته شوند یا جزیه بپردازند؛ و چه بسا اقامت آنانی که با آن‌ها عقد ذمه بسته، در سرزمین اسلام موجب شناخت و آشنایی آنان با محاسن اسلام می‌باشد و منجر به آن می‌گردد تا دین خود را ترک گویند و از کفر به اسلام برگردند.

۲-۴-۲-۵. عقیده‌ی اهل کتاب (یهود و نصاری)

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ



يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (توبه: ۳۰)

دلالت کلی آیه: این آیه به بیان عقاید اهل کتاب (یهود و نصاری) و ماجرای عزیر پرداخته است. عزیر همان کسی است که دین یهود را تجدید نمود و تورات را بعد از آن که در واقعه‌ی بخت‌النصر، پادشاه بابل و تسخیر بلاد یهود و ویران نمودن معبد و سوزاندن کتاب‌های ایشان به کلی از بین رفت، دوباره به صورت کتابی به رشته‌ی تحریر درآورد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۲۵).

سبب نزول: در الدر المنثور آمده: بخاری در تاریخ خود از ابی سعید خدری روایت کرده که گفت: وقتی جنگ احد شروع شد و رسول خدا ﷺ پیشانی‌اش مجروح گردید و دندان‌های رباعی‌اش شکست، برخاست و دست‌هایش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: غضب خدا وقتی بر یهود شدت گرفت که گفتند: عزیز پسر خدا است و وقتی بر نصاری شدید شد که گفتند: مسیح پسر خدا است، در این امت بر افرادی شدت می‌گیرد که خون مرا بریزند و عترتم را آزار دهند. در تفسیر عیاشی نیز قریب به این مضمون روایتی آمده است؛ و در احتجاج طبرسی از امام علی علیه السلام نقل شده که در معنای جمله «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» فرمود: یعنی خدا لعنتشان کند، کار تهمت و افک را به کجا رسانده‌اند. در این آیه لعنت خدا را قتال خدا خوانده و همچنین در آیه «قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ» که معنایش این است: لعنت باد بر انسان چقدر کفرپیشه است.

«إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا...» (توبه: ۳۷)، جابجایی ماه‌ها را کفر خوانده است (محقق، ۱۳۶۱: ۴۱۲).

و همچنین ابن ابو حاتم از ابن عباس روایت کرده: عده‌ای به حضور رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند چگونه از تو پیروی کنیم، درحالی‌که تو قبله‌ی ما را ترک گفته‌ای و باور نداری که عزیر پسر خداست؟ در این باره آیه‌ی فوق نازل شد (سیوطی، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

تناسب آیات ۳۳-۳۰: پس از بیان حکم مشترک مشرکان و اهل کتاب، جز در برخی مسائل مانند جزیه و اعلام این که عدم ایمان واقعی اهل کتاب، سبب دستور قتال با آن‌هاست، اکنون به تحلیل مسئله و ایجاد انگیزه در مسلمانان برای نبرد با اهل کتاب می‌پردازد و در این زمینه، اهل کتاب را با مشرکان سنجیده و شباهت آنان با یکدیگر را یاد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۳: ۴۸۹).

بعد از این که خدای تعالی در آیه‌ی جزیه بیان داشت: یهود و نصاری به خدا ایمان نمی‌آورند؛ در این آیه به توضیح این مطلب پرداخت و بیان داشت که آنان به خدا

نسبت فرزند می‌دهند؛ که چنین کاری شرک است.

همواره سعی و تلاش می‌کنند تا نور اسلام را خاموش سازند، این آیات دلیل واضح و آشکاری در خصوص سبب جنگ با اهل کتاب است (فیومی، ۱۴۱۸، ج ۹-۱۰: ۱۹۶).

۲-۴-۲-۶. تحریم جابجایی ماه‌ها

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه: ۳۶)

دلالت کلی آیه: این آیه به حکم حرمت قتال در ماه‌های چهارگانه حرام اشاره می‌کند و منظور از حرمت، آن است که مردم از جنگیدن با یکدیگر منع شده تا امنیت عمومی حکم‌فرما شود و به عبادت و طاعات خدا پردازند.

این آیه، تنها متعرض قتال با مشرکین، یعنی بت‌پرستان است و شامل اهل کتاب نیست، زیرا قرآن هرچند صریحاً و یا تلویحاً نسبت شرک به اهل کتاب داده، لیکن هیچ وقت کلمه‌ی مشرک را بر آنان اطلاق نکرده و این کلمه را به‌طور توصیفی، تنها در مورد بت‌پرستان به‌کاربرده است، به خلاف کلمه‌ی کفر که به صیغه‌ی فعل و یا به صیغه‌ی وصف به ایشان نسبت داده، همان‌طوری که به بت‌پرستان اطلاق نموده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۹: ۳۶۵، سربازی، ۱۳۹۶، ۱۱: ۱۳۰).

سبب نزول: «انما النسئی» ابن جریر طبری از ابی مالک روایت نموده: عرب از این‌که سه ماه پی‌درپی از جنگ و غارت محروم و ممنوع باشد ناراحت بود، یک سال با سیزده ماه می‌ساختند و محرم را صفر می‌گردانیدند و در آن انواع محرمات را حلال می‌شمردند، این بود که خدای تعالی این آیه را نازل کرد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۶۵).

تناسب: مشرکان عرب، با قصد، حرمت یک ماه از ماه‌های حرام را به تأخیر می‌انداختند و به ماهی دیگر منتقل می‌کردند.

مفسران روایت خاصی در سبب نزول این دو آیه نقل نکرده‌اند و در ظاهر هیچ ارتباطی با آنچه پیش از آن و در ادامه می‌آید، نیست. طبری می‌گوید: این آیه برای برانگیختن مسلمانان به قتال با مشرکین است. او هیچ تأویلی برای اشاره به ماه‌ها و ماه‌های حرام و فراموش‌نشده‌ی ذکر نکرده است؛ بغوی و ابن کثیر می‌گویند: در تعبیر «وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً» همه در بیان توجیه محاصره پیامبر ﷺ و مسلمانان در طائف هستند، این آیات در سیاق آیه‌های دیگر در مورد جنگ تبوک که تقریباً یک سال بعد بود، نازل



شد؛ و به نظر نمی‌رسد که آن‌ها در این سیاق باشند. مفسران دلایل و حکمت ذکر چند ماه و فراموشی را ذکر نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۶۹، سربازی، ۱۳۹۰، ج ۳۳: ۱۲۶-۱۲۳ فیومی، ۱۴۱۸، ج ۹-۱۰: ۲۰۹).

در ادامه خدای تعالی فرمود: «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» یعنی دین ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام، دین، شرع و حکمی است که در آن هیچ انحراف و کجی نیست تا ماه محرم به عنوان مثال، به جای ماه صفر منتقل شود، برخلاف عملکرد اهل جاهلیت که اسم‌های برخی ماه‌ها را مقدم و برخی دیگر را تأخیر می‌نمودند (فیومی، ۱۴۱۸، ج ۹-۱۰: ۲۱۰).

جنگ در این ماه‌های چهارگانه در زمان ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام حرام بود. عرب همچنان به این حرمت ادامه دادند سپس حرمت آن نسخ شد.

این آیات بازگشت مجدد به سوی قبایح مشرکان است. بگونه‌ای که آنان احکام خدا را تغییر دادند. درست آن‌گونه که یهود و نصاری احکام خدا را تغییر دادند و سخن از جنگ و حکم معامله با آنان کاملاً مناسب بود، سپس به ذکر احکام مشرکان بازگشت. به این ترتیب بین عملکرد مشرکان و یهود و نصاری در مورد جنگ و لزوم آن همگامی صورت گرفت (فیومی، ۱۴۱۸، ج ۹-۱۰: ۲۰۸-۲۰۷).

در آیه‌های گذشته، خداوند متعال کیفیت ضلالت کفار، مشرکان و اهل کتاب را بیان فرمود و توضیح داد چگونه در بین اهل کتاب، رسوم و خرافات گمراه‌کننده رایج بود. در این دو آیه‌ی کریمه، با ذکر یک رسم بد جاهلیت، به مسلمانان تذکر می‌دهد از ایجاد رسوم و بدعت‌ها بر حذر باشند؛ زیرا همین رسوم و بدعت‌ها منجر به سقوط انسان در چاله‌های شرک و گمراهی می‌گردد (سربازی، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۱۲۲).

۲-۴-۲-۷. غزوه تبوک

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)

دلالت کلی آیه: این آیه به ملامت و سرزنش مؤمنین به جهت تناقل و سستی‌شان به هنگام جنگ و این‌که به حیات ناچیز دنیا قانع شده‌اند؛ اشاره دارد. همچنین به بیان حال منافقین و پاره‌ای از اوصاف و علامت‌های آنان و تلخی‌هایی که اسلام از کید و مکرشان دید و مسلمین از نفاق ایشان کشیدند؛ پرداخته است. چنان‌که در مقدمه‌ی آن، مؤمنین را مورد عتاب قرار داده؛ چرا از جهاد شانه خالی نموده‌اند. آن‌گاه داستان یاری خدا از پیغمبرش را به رخ آنان کشیده که با آن‌که بی‌یار و یاور از مکه بیرون شد، چگونه خدای

تعالی نصرتش داد و همچنان که در روایات شأن نزول آمده، این آیات با داستان جنگ تبوک انطباق دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۳۷۴).

لذا خداوند در بسیج عمومی با خطابی فراگیر، مسلمانان را با هر توانی که دارند، به تفر و جهاد، با مال و جان خود، در راه خدا فرا می‌خواند که هیچ عذر و بهانه‌ای نگیرند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳۳: ۸۷).

سبب نزول: در این باب چند قول ذکر شده است، ولی قول ارجح آن است که مربوط به غزوه‌ی «تبوک» است. رسول خدا ﷺ پس از هشت سال جنگ، در اواخر سال هشتم هجری، مکه را فتح و نبردهای سختی چون «حنین»، «اوطاس» و «طائف» را رهبری و به پیروزی رساند. ایشان پس از فتح مکه به مدینه بازگشت. در رجب سال نهم هجری از زبان تاجرانی که از شام آمده بودند، خبر یافت که «هرقل»، پادشاه روم، برای نبرد با مسلمانان با سپاهی سنگین که علاوه بر همراهی برخی قبایل عرب، بالغ بر دویست هزار نفر بود، قصد دارد از منطقه‌ی «تبوک» وارد سرزمین‌های اسلام شود.

یهود با فتح مکه توسط سپاه اسلام، ترسید که بار دیگر سیه‌روزی‌هایش آغاز شود و حتی از شبه‌جزیره‌ی عرب اخراج گردد. به همین دلیل دست به دامان امپراتور مسیحی زد و خواست او را علیه اسلام تحریک کند تا نگذارد بیش از آن پیشروی کنند. به همین سبب، هرقل، تحت این تحریکات از مسیر «تبوک» عازم دیار اسلام شد.

رسول خدا با شنیدن این خبر، فوراً با یارانش به مشورت نشست. آن حضرت برای آن‌که به شهر مدینه حمله نشود، تصمیم گرفتند خود با یارانش پیشاپیش به «تبوک» بروند و در همان محل به مقابله و نبرد با دشمن بپردازند.

خوشبختانه در آن زمان، شهرها و جاهای مهم و حساسی چون مکه، فتح شده بود و سرزمین «تهامه» و کل حجاز، تحت لوای اسلام، درآمده بود.

رسول خدا می‌خواستند با سپاهی عظیم برای مقابله با سپاه رومیان، عازم تبوک، شوند و به همین دلیل فرمان دادند مسلمانان از جاهای مختلف، در مدینه، گرد آیند (سربازی، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۱۳۱).

به نقل قرطبی از ابن عباس، «ابوطلحه، آیه‌ی «انفروا خفاقا و ثقالا» را به معنای جوان و پیر دانسته و گفته: خدا عذر کسی که در جهاد شرکت نکند را نمی‌پذیرد، پس از آن به‌سوی شام رفت و جهاد کرد تا این‌که از دنیا رفت».

از زهری نیز نقل کرده: «سعید بن مسیب، در حالی که به جنگ رفت که یکی از دو



چشمش را از دست داده بود و وقتی به او گفتند: شما علیل و معذوری، پاسخ داد: خدا خفیف و ثقیل (همگان) را به نفر فراخوانده، پس اگر نتوانم در جنگ شرکت کنم، بر سیاهی لشکر می افزایم و وسایل رزمندگان را نگه می دارم».

نیز روایت شده: «در جنگ های شام، مردی را دیدند که از شدت پیری ابروانش چشمانش را فراگرفته بود؛ وقتی برادرزاده اش به او گفت: خدا شما را از صاحبان عذر قرار داده، پاسخ داد: همه ی ما (پیر و جوان) به نفر امر شدیم».

ابن جریر از خضرمی روایت کرده به او گفته شده است: عده ای از مردم که بیمار و علیل یا سالخورده بودند می گفتند: ما به خاطر نرفتن به جهاد گناه کار شمرده نمی شویم. پروردگار این آیه را نازل کرد (سیوطی، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

تناسب: در آیات گذشته یکی از رسوم جاهلیت - «نسیء» - بیان شد و به مؤمنان امر شد بعد از «أَشْهُرِ حُرْمٍ» با مشرکان بجنگند. به مناسبت همین حکم، در این آیات موضوع غزوه ی «تبوک» مطرح شد که آخرین و مهم ترین جهاد پیامبر ﷺ است و در آن مؤمنان کامل شناخته شدند.

مناسبت دیگر این که: در آیه های گذشته ذکر معایب کفار و فرمان جهاد علیه عموم کافران و مخصوصاً اهل کتاب بود. در این آیه ها مجدداً به ترغیب و تشویق هر چه بیشتر مسلمانان به قتال علیه آنان می پردازد (سربازی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۱۳۰).

در آیه مورد بحث، پس از سرزنش و توبیخ برخی مؤمنان به جهت تناقلشان در نفر عمومی و تهدید تحلیل این مطلب که «آنان پیامبر ﷺ را یاری کنند یا نکنند، خدا او را نصرت خواهد کرد»، به وجوب نفر عمومی می پردازد و گوشزد می فرماید: در تخلف از این فرمان، هیچ عذری از هیچ کسی پذیرفته نیست.

۲۰۴-۲۰۸. شدت خشونت در برابر کارشکنی ها

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَأَوْاهُمْ جَهَنَّمَ وَبئس المصيرُ
(توبه: ۷۳)

دلالت کلی آیه: تاریخ نزول این دسته از آیات بر منافقین و توطئه ی آنان بر قتل پیامبر ﷺ در جنگ تبوک دلالت می کند؛ همچنین این آیات به ذکر يك خصوصیت دیگر از منافقین و زشتی ها و جرایم آنان می پردازد که همواره سعی داشتند، با پرده نفاق آن را بیوشانند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۹: ۴۳۹).

سبب نزول: در تفسیر قمی ذیل آیه فوق آمده: پدرم از ابن ابی عمیر از ابی بصیر از

امام ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود: با کفار و منافقین جهاد کن و ایشان را ملزم به انجام فرائض ساز؛ و در الدر المنثور است که بیهقی در کتاب شعب الایمان از ابن مسعود روایت کرده: بعد از آن که آیهی فوق نازل شد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داده شد تا با دست و با قلب و زبان خود با برخورد خشن و ترش‌رویی با کفار و منافقین مبارزه کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج: ۹، ۴۳۹).

تناسب: پیش‌تر مختصری از خصایص منافقان و مؤمنان و این‌که دو گروه مذکور در قبال اعمالشان به چه سرنوشتی از عذاب یا رحمت الهی مواجه خواهند شد، بیان گردید. اکنون به شرح حال کفار و منافقین می‌پردازد و به منظور زیون ساختن به مؤمنان فرمان می‌دهد علیه آنان بچنگند و روی خوش به آنان نشان ندهند (سربازی، ۱۳۹۰، ج: ۱۱، ۱۲۳). نتیجه: مراد از آیه، جهاد با منافقین و مقاومت در برابر کارشکنی‌ها و شدت خشونت در برابر آن‌هاست؛ این آیه برخلاف آیات گذشته که در مواجهه با کفار، نوعی نرمش و تخفیف به چشم می‌خورد، نهایت خشونت با کفار را مطرح می‌نماید چون به لحاظ تاریخی این آیه از آخرین آیات نازل شده درباره‌ی قتال می‌باشد و در آخرین سوره‌ی مدنی آمده است. خداوند جهاد علیه همه‌ی کفار و منافقین را واجب می‌گرداند و می‌فرماید: این کفار و منافقین مستوجب غلظت و خشونت و قتال‌اند.

۲۰۴-۲۰۹. بیعت عقبه:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (نوبه: ۱۱۱)

دلالته کلی آیه: این آیه درباره‌ی مطالب گوناگونی است که مفهوم واحدی، همه را به هم مرتبط و به آن معنایی که آیات قبلی در مقام بیان آن بود مربوط می‌سازد، زیرا این آیه پیرامون جنگ و جهاد است؛ بعضی مؤمنین مجاهد را مدح نموده و وعده جمیل داده است و بعضی از محبت و دوستی با مشرکین و طلب مغفرت جهت ایشان نهی می‌کند. همچنین بعضی دیگر دلالت بر گذشت خدای تعالی از آن سه نفری دارد که در جنگ تبوک تخلف ورزیدند و برخی دیگر اهل مدینه و اطراف آن را مأمور می‌کند به این‌که با رسول خدا صلی الله علیه و آله هر جا که خواست برای قتال، بیرون روند و از آن جناب تخلف نکنند و در نهایت برخی از آن‌ها حکم می‌کند به این‌که باید با کفار هم‌جوار نبرد کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۵۳۹).



آیهی فوق بر احکام زیر دلالت می‌نماید: اول؛ پاداش جهاد در راه خدا با مال یا جان یا هر دو، بهشت است. دوم؛ جهاد در راه خدا در صورتی که به خاطر به دست آوردن رضای خدا باشد، مستوجب حصول پاداش بهشت است. سوم؛ تشریح جهاد یا مقاومت در برابر دشمنان، از زمانه‌ای بسیار قدیم از عهد موسی علیه السلام وجود داشته است (سربازی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۴۳۶). سبب نزول: این آیات در مکه و درباره‌ی بیعت عقبه نازل شده است؛ با این توضیح که عادت رسول گرامی در مکه بر این بود؛ هرگاه موسم حج فرامی‌رسید، به «منی» و «مزدلفه» رفته، مردم را به سوی دین اسلام، فرامی‌خواندند. در سال یازدهم بعثت، در بازار منی با شش تن از اهالی مدینه ملاقات نمودند و آنان را به اسلام دعوت کردند که همه اسلام را پذیرفتند. این ماجرا در عقبه‌ای که نزدیک جمره‌ی عقبه بود و امروزه آن را برداشته‌اند، صورت گرفت. این بیعت چون اولین بیعت انصار بود، به آن بیعت انصار می‌گویند. ناگفته نماند بیعت معروف «عقبه»^۱ این نیست.

آن شش نفر با نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر اسلام، بیعت کردند و بر آن عهد و پیمان بستند و وقتی به مدینه بازگشتند، مردم را به آیین جدید خویش فراخواندند، که در نتیجه‌ی آن، بعضی ایمان آوردند. سال بعد در موسم حج، دوازده نفر که هفت نفر از آنان جدید بودند، در همان محل با رسول خدا بیعت کردند و این ماجرا به بیعت عقبه‌ی اولی معروف گردید. پیامبر صلی الله علیه و آله مصعب بن عمیر را برای تعلیم و تبلیغ احکام اسلام، به سوی مدینه فرستاد. او در غزه‌ی اُحد علم‌دار پیامبر بود و در همان غزه شهید شد و با حمزه یک جا مدفون گردید.

با تبلیغات مصعب، تعداد مؤمنان مدینه بیش از پیش گردید؛ به حدی که سال بعد یعنی سیزدهم بعثت، در موسم حج حدود هفتاد مرد و دو زن از اهل مدینه در کنار عقبه با رسول خدا بیعت ایمان و فداکاری نمودند. این، بزرگ‌ترین بیعت اهل مدینه در آن محل بود که به بیعت عقبه‌ی ثانیه، مشهور گردید و عموماً بیعت عقبه به همین بیعت می‌گویند. در حدیث وارد شده، وقتی این هفتاد و دو نفر بیعت کردند، عبدالله بن رواحه گفت: ای رسول خدا! اینک ما ایمان آوردیم و بیعت کردیم. حال شرایطی را که برای خداوند و برای خود بر ما لازم می‌دانید، بگویید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «برای خداوند متعال این شرط را می‌گذارم که فقط او را بپرستید و با وی کسی را شریک نگیرید و برای خود این شرط را می‌گذارم که آن‌گونه از من دفاع کنید که از خویشان و از اموالتان دفاع

۱. یعنی گردنه و سراسیمی.

می‌کنید». عبدالله، پرسید: در مقابل پایبندی به این شرایط چه چیزی به ما می‌رسد؟ فرمود: بهشت.

در این هنگام آیه‌ی فوق نازل گردید (واحدی، ۱۳۸: ۱۳۹، محقق، ۱۳۶۱: ۴۴۲، دروزه، ۱۳۸۳، ج ۹: ۵۳۹، سربازی، ۱۳۹۶، ج ۳۳، ۴۳۸، سیوطی، ۱۳۹۴: ۱۵۰ و ۲۰۲).

یقاتلون فی سبیل الله- توضیح کار مؤمنانی است که با خداوند متعال معامله می‌کنند؛ یعنی آنان در این معامله در راه او تعالی می‌جنگند تا آن‌که دشمنان دین را می‌کشند یا خود به شهادت می‌رسند و در هر صورت به بهشت می‌روند.

تناسب آیات ۱۱۱-۱۱۲: بعد از این‌که حق تعالی به بیان اعمال شنیع، زشتی‌ها و دو رنگی‌های سیاسی منافقان از جمله تخلف از غزوه‌ی تبوک و بنای مسجد ضرار پرداخت و گروه‌های مقصر مؤمن را نیز معرفی نمود؛ در این‌جا به بیان احوال مؤمنانی می‌پردازد که در ایمان خود صادق بوده، نشانه‌های آن را در جهاد به نمایش گذاشتند و با دادن مژده، آنان را برای جهاد و قربانی کردن اموال و ابدان خویش در راه خدا تشویق می‌کند. این آیه، اولین آیه در فضیلت جهاد و دعوت به آن است و سرلوحه‌ی تمام آیات مربوط به فضیلت و فرضیت جهاد می‌باشد؛ گرچه در آن زمان (در مکه) عملاً جهادی علیه کفار صورت نگرفت. بعد از نزول این آیه بود که آیه‌ی اذن قتال: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ يُقَاتِلُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹) نازل گردید. (سربازی، ۱۳۹۰: ۴۳۶)

در تمام این سوره، بیان احکام جهاد و قتال و مبارزه‌ی عملی، با کفار و مبارزه‌ی زبانی، با منافقان وجود دارد. اکنون این آیه در موضوع جاری (جهاد و قتال)، در چند وجه ربط و مناسبت با گذشته دارد:

۱- قبلاً بیان جهاد با اقوامی بود که در غزوه‌ی تبوک، حنین و ... طرف مقابل مسلمانان قرار داشتند. در پایان سوره نیز خداوند متعال برای مسلمانان یک دستور و قانون کلی در مورد قتال با کفاری که در نزدیکی‌شان قرار داشتند، صادر می‌کند.

۲- از چند آیه‌ی قبل، به بیان تفصیلی احوال منافقان پرداخته شد. اکنون خداوند متعال در مورد کفار مطلق، که در حقیقت برادر منافقان‌اند، حکم به مقابله و برخورد مسلحانه و خشونت‌آمیز می‌دهد.

۳- در آیه‌ی قبل یکی از راه‌های جهاد، «جهاد علمی» بیان گردید که پس از حصول تفقه دینی، با حجت می‌توان گروه‌ها و افراد باطل را مغلوب ساخت. در این آیه، «جهاد با شمشیر» بیان می‌شود.



۴- در آیات گذشته مسلمانان ترغیب و تشویق به شرکت در «جهاد» شدند و در واقع فقط خود موضوع جهاد و اجر مجاهدان مطرح گردید. در این آیه خداوند متعال مسلمانان را راهنمایی می‌فرماید: طریقه و ترتیب جهاد این است که از کفاری که در نزدیکی آنان قرار دارند، شروع کنند و به همین ترتیب پیش روند (سربازی، ۱۳۹۰، ۱۱: ۵۳۱).

این آیات درباره‌ی مطالب گوناگونی است که یک غرض واحد، همه را به هم مرتبط می‌سازد و آیات قبلی در مقام بیان آن بود. زیرا این آیات پیرامون جنگ و قتال است. بعضی از آن مؤمنین مجاهد را مدح نموده و وعده‌ی جمیل داده است؛ و بعضی از محبت و دوستی با مشرکین و طلب مغفرت از ایشان نهی می‌کند. بعضی دیگر برگذشت خدای تعالی از آن سه نفری دلالت دارد که در جنگ تبوک تخلف ورزیدند، بعضی دیگر اهل مدینه و اطراف آن را مأمور می‌کند به اینکه با رسول خدا ﷺ هر جا که خواست، برای قتال بیرون روند و از آن جناب تخلف نکنند. بعضی دیگر نیز به مردم دستور می‌دهد باید با کفار هم‌جوار قتال کنند.

«وَأَمْوَالُهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ...» خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند، وعده‌ی قطعی بهشت می‌دهد و می‌فرماید: این وعده در تورات و انجیل هم داده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹: ۵۳۸).

البته روایات ایجاد شک می‌کند که این آیه در مورد عقبه یا در مورد جنگ بدر باشد. هرچند ما تناسب بین دو آیه و سیاق قبلی را دیده و بیعت عقبه را ترجیح می‌دهیم؛ که در جریان حمله به تبوک نازل شده باشد.

مؤمنان واقعی را دعوت به توبه، جهاد، عبادت، مهاجرت، امر به معروف، نهی از منکر، حفظ حدود خدا و خرج مال و جان در راه خدا برای رسیدن به بهشت می‌کند، که پیامبر ﷺ مسلمانان را تشویق به شرکت در جهاد کرد. جنگ تبوک از آخرین فتوحات رسول خدا ﷺ است؛ که بیشترین تعداد نفرات، در آن شرکت داشتند.

قرآن کریم شامل آیات بسیاری است که در آن دعوت به جهاد با مال و نفس شده و وعده‌ی پیروزی خدا و بهشت برای مجاهدین است.

نتیجه: این آیه نیز مانند آیات قبل که در مورد قتال آمده، در مورد تخلف و سرپیچی از غزوه‌ی تبوک صحبت می‌کند و کسانی را که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند، وعده‌ی قطعی به بهشت می‌دهد و بار دیگر به جهاد ترغیب می‌کند و به بیان فلسفه‌ی

جهاد می‌پردازد که سرزمین خدا باید از لوث کفر، شرک، نفاق و فساد پاک و خالی شود؛ حوادث مطرح شده در این آیه که جزو مراحل پایانی آیات قتال است، با حوادث سال نهم هجری از جمله تاریخ وقوع جنگ تبوک و نزول سوره‌ی توبه انطباق دارد که ما آن را روی نمودار ترسیم نموده‌ایم.

۲۰۴-۲۰۱۰. سیاست جنگی در نبرد با کفار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه: ۱۲۳)

دلالیت کلی آیه: در این آیه دستور جهاد عمومی داده شده تا اسلام گسترش یابد، چون فرموده هر طایفه از مؤمنین باید با کفار هم‌جوار خود بجنگند، معنایش همان گسترش حکومت اسلامی در جهان است.

تناسب: بعد از این‌که خداوند مؤمنان را به جنگ همگانی با مشرکان به همان‌گونه‌ای که آنان با مسلمانان به شکل همگانی می‌جنگیدند امر کرد، در این آیه، آنان را به سوی روشی برتر و بهتر در این مبارزه راهنمایی می‌کند. این روش بر این اساس استوار است که مسلمانان ابتدا باید با کفاری که نزدیکشان قرار دارند بجنگند، سپس سراغ کفار دورتر بروند. پیامبر و یارانشان از این روش استفاده کردند، چنان‌چه ابتدا با کفار مکه و سپس با سایر اعراب جنگیدند و در آخر، نبردشان با روم به شام و عراق کشیده شد. خط سیر دعوت اسلام نیز بر این ترتیب استوار بود، در آغاز، حق تعالی فرمود: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۱ (شعراء: ۲۱۴).

سپس دایره‌ی دعوت شامل تمام شبه‌جزیره‌ی عربستان شد و به این منظور پروردگار فرمود: «وَلْيُنذِرْ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا»^۲ (انعام: ۹۲). سپس مسئله‌ی انتشار اسلام در خارج از شبه جزیره‌ی عرب به میان آمد و خداوند فرمود: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ...»^۳ (توبه: ۲۹).

توضیح جدول: نمای جریان قتال به‌طور کلی بعد از هجرت را نشان می‌دهند، سیر نزول کلمه‌ی «قتال» از سوره‌ی بقره به سمت سوره توبه منحنی سیر صعودی داشته است و در سال‌های ۷ و ۸ بعد از هجرت که صلح حدیبیه مطرح است، ناگهان افت پیدا

۱. و اقوام نزدیک خود را بیم بده.

۲. و تا ام القری و اطراف آن را بیم دهی.

۳. و با آنانی که به خدا و روز آخرت ایمان نمی‌آورند بجنگید.

گوناگون، به کاری جدید در عرصه‌ی تفسیر قرآن دست زدیم که امروزه آن را «تفسیر به ترتیب نزول» یا نوعی «تفسیر تاریخی» می‌نامند. مبانی ما در تفسیر تاریخی عبارت‌اند از: تفسیر به ترتیب نزول، محوریت قرآن و سیاق آیات در تفسیر، عرفی بودن زبان قرآن و کشف سیره نبوی از قرآن.

فضای نزول، مربوط به مجموع يك سوره است که عبارت است از بررسی اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای که در مدّت نزول يك سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است. بررسی و کشف فضای نزول؛ دستیابی به تفسیر صحیح آیات، کشف ساختار صحیح و اهداف سوره‌ها برای تدبّر روشمند در قرآن کریم، اعتبار سنجی روایات سبب نزول، ترتیب نزول، گزارش‌های سیره و گزاره‌های تاریخی با نگارش این پژوهش محقق شد.

در ادامه، دستیابی به فضای نزول سوره‌ها با استفاده از قرائن درون‌متنی قرآن شامل سیاق، خبری و انشایی بودن آیات، غرض آیات و گزاره‌های برون‌متنی شامل روایات و نشانه‌های مکی و مدنی، روایات ترتیب نزول، روایات اسباب نزول و گزاره‌های تاریخی امکان‌پذیر شد. در این نوع نگرش و تحلیل، به آیاتی برخوردیم که مسلمانان را به ترك قتال و تحمل هر آزار و اذیتی در راه خدا دعوت کرده، از آن جمله فرموده: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ» (کافرون: ۲۶). سپس آیاتی دیگر نازل و مسلمین را امر به قتال با آنان نمود: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا، وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَضْرِبِهِمْ لَقَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ، إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ» (حج: ۱۴۰).

آیاتی که در این پژوهش آمده، شروع مرحله‌ی جدیدی از قتال و مبارزه است که به سرزنش مؤمنین به جهت کوتاهی و سستی به هنگام جنگ می‌پردازد؛ کسانی که هیچ مانع و عذری برای حضور در جهاد ندارند (البته عذرهایی مانند کوری، لنگی و بیماری در آیات دیگر استثنا شده‌اند). و نیز به بیان حال منافقین که در جنگ شرکت نکرده و از جهاد شانه خالی می‌کنند پرداخته است و نکوهش و تهدید آنان به عذاب آخرت را به سبب مخالفت امر خدا و رسولش و تمسک به بهانه‌های واهی برای فرار از جنگ (مانند سردی و گرمی هوا و...)، در پی دارد.

می‌توان گفت در ابتدای سوره مدنی، دعوت به قتال حالت نرم‌تر داشته و در سوره‌ی توبه لحن شدیدتری به خود گرفته است. سوره‌ی توبه با اعلان جنگ عمومی با مشرکان و طرد تمام بیمان‌های پوشالی آنان افتتاح گشته است و به همین سبب «بِسْمِ اللَّهِ



الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که حامل روح صلح و آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز است، در ابتدای سوره نیامده است.

در مجموع سوره توبه را می‌توان نقطه‌ی اوج درگیری آیات وحی با جامعه‌ی خودی و غیرخودی مسلمانان دانست که با عتاب‌های قاطعانه و کم‌نظیر، در برابر دشمنانی که سدّ راه الهی کرده و از هیچ ضربه‌ای بر پیکره‌ی نهاد نوپای مسلمین دریغ نمی‌ورزند، متحد ساخته و آنان را دعوت به قتال کرده است.

به گواهی تاریخ، این سوره در سال نهم هجری نازل شده و حوادث مطرح‌شده در آن، متناسب با اتفاقات سال نهم هجری است. با توجه به نمودار شماره (۱)، از آن رو که بیشتر آیات قتال در این سوره واقع شده است، بالاترین نقطه مقابل سال نهم هجری و سوره توبه‌ی قرار دارد، که نشان از اوج شدت درگیری و خشونت بین مسلمین با مشرکین، کفار، یهود و مسیحیت است. این بالاترین حد خشونت، قتال و خونریزی در طول نزول آیات قتال در قرآن است که با حوادث سال نهم هجری کاملاً منطبق است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

- آیتی، محمدابراهیم، (۱۳۷۸)، *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی‌تا)، *التحریر و التنویر*، بی‌جا: بی‌نا.
- ابن إسحاق، محمد بن إسحاق، *سیرة ابن إسحاق*، تحقیق محمد حمیدالله، بی‌جا، معهد الدراسات و الأبحاث للتعریف، بی‌تا.
- ابن هشام، (بی‌تا)، *السیرة النبویه*، بیروت-لبنان: دار المعرفة.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *تسنیم*، قم: نشر اسراء.
- اسکندرو، محمد جواد، (۱۳۸۵)، *مستشرقان و تاریخگذاری قرآن*، قم: انتشارات مشهور.
- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، (۱۴۰۳ ه. ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبد الرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- حجتی، سید محمد باقر، (۱۳۸۲)، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- -----، (۱۳۷۸)، *اسباب النزول*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خسروی حسینی، سید غلامرضا، (۱۳۷۵)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران: انتشارات مرتضوی.
- دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱)، *التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول*، ۱۰ جلد، چاپ دوم، لبنان - بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- رامیار، محمود، (۱۳۷۹)، *تاریخ قرآن*، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر.
- زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۳۷۶)، *البرهان*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیه.
- سربازی، محمد عمر، (۱۳۹۶)، *تبیین الفرقان*، نوبت چاپ اول، تربت جام: ناشر شیخ الاسلام احمد جام.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۳۹۴)، *اسباب النزول*، تحقیق عبد الرزاق المهدی، ترجمه عبد الکریم ارشد، تربت جام: ناشر شیخ الاسلام احمد جام.
- شریعتی، علی، (۱۳۴۷)، *اسلام شناسی (درس های دانشگاه مشهد)*، مشهد: انتشارات سپیده باوران.
- شحاته، عبد الله محمود، (۱۳۷۴)، *اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم*، نگارش: دکتر سید محمد باقر حجتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ جلد، چاپ پنجم، ایران - قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- قرضایی، یوسف (۱۳۷۸)، *سیمای صابران در قرآن ترجمه الصبر فی القرآن*، ۱ جلد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: مرکز انتشارات - ایران..

- فیاض، علی اکبر، (بی تا)، *تاریخ اسلام*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۸)، *مصباح المنیر*، بی جا: بی نا.
- محقق، محمدباقر، (۱۳۶۱)، *نمونه بینات در شأن نزول آیات*، چاپ چهارم، ایران - تهران: اسلامی.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۵)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۶)، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ سوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- واحدی، علی بن احمد، (۱۳۸۳)، *اسباب النزول واحدی*، ترجمه ذکاوتی، چاپ اول، ایران - تهران: نشر نی.